

بامنطق قرآنی، جهان اسلام پشتیبان فلسطین باشد

صفحه ۱

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نیجنگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

فرهیختگان

شماره مسلسل ۲۸۹۹
مستقیم ۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰
۲۸۰ شوق ۱۴۴۵
۷۰۰۰ تا ۲۰۱۴
شماره ۲۱۲۱

پوست درختان را کردند

گزارش «فرهیختگان» از وضعیت ساخت وسازها در پارک سرخه حصار



www.fard.ir | Tue | 7 May 2024 | vol.15 | No. 4131 | 16



سریال «افعی تهران» با ژست روانکاوی اجتماعی خارج از اتمسفر ایران به هجو تبدیل شده است

سَم تراپی

«فرهیختگان» ۱۰۰ شرکت اول واردکننده کشور را بررسی کرد

سهم ۶۹ درصدی خوراکی و خودرو

منابع خبری از پذیرش آتش بس توسط حماس خبر دادند

نتانیا هو و اژه آتش بس

دکتر طهرانچی در جمع مدیران گروه «گردشگری» و «معماری»:

پروژه مسکن دانشگاه آزاد توسط معماران دانشگاه طراحی شود

رهبر انقلاب در دیدار با کارگزاران حج مطرح کردند

بامنطق قرآنی، جهان اسلام پشتیبان فلسطین باشد

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز دوشنبه در دیدار مسئولان و کارگزاران حج و جمعی از زائران بیت الله الحرام، ذکر پروردگار و «وحدت و ارتباط مسلمانان» را دو عنصر بسیار مهم معنوی و اجتماعی فریضه حج خواندند و با اشاره به حادثه عظیم غزه و جنایات رژیم خون آشام صهیونیستی گفتند: «حج امسال در پرتو آیات قرآن کریم و یاد و نام مبارک حضرت ابراهیم (ع)، باید فراتر از هر سال، حج برانست از این دشمن جنایتکار مسلمانان و حامیان آن باشد.»

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب، رهبر انقلاب اسلامی حج را در جنبه مادی و معنوی، فریضه ای چندبعدی برشمردند و افزودند: «در بعد دینی و باطنی، ذکر پروردگار به عنوان «منشأ حقیقی زندگی و عزم و اراده و تصمیم گیری های فردی، اجتماعی و ملی»، نکته برجسته همه مراحل و مواضع حج است.» ایشان در همین زمینه به زائران بیت الله تاکید کردند: «در حج متوجه مواردی باشید که در هیچ جای دیگر نیست، مانند کعبه، مسجد الحرام و طواف و زیارت نبی اکرم (ص)؛ وگرنه بازار و اجناس در همه جا وجود دارد.»

رهبر انقلاب نکته برجسته بعد اجتماعی حج را وحدت و ارتباط مسلمانان با یکدیگر برشمردند و گفتند: «فلسفه دعوت الهی از همه مردم برای حضور در مکانی مشخص و در ایامی مشخص، آشنایی مسلمانان با یکدیگر و همفکری و تصمیم گیری مشترک است تا نتایج مبارک و عینی حج نصیب عالم اسلام و همه بشریت شود که اکنون دنیای اسلام در زمینه تصمیم گیری مشترک، خلأ بزرگی دارد.» ایشان نادیده گرفتن تفاوت های ملیتی، مذهبی و قومی را مقدمه لازم وحدت دانستند و افزودند: «اجتماع عظیم، یکدست و یک شکل پیروان همه مذاهب و فرق اسلامی از همه ملیت ها، نمود بارز وجه سیاسی-اجتماعی حج است.»

حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: «البته ضرورت عبور از تفاوت ها و مسائل تفرقه انگیز مخصوص حج نیست و در آیات متعدد قرآن بر وحدت و همدلی مسلمانان تاکید شده است.»

رهبر انقلاب با اشاره به اینکه فریضه حج باید مشحون از نام مبارک حضرت ابراهیم و تعالیم آن پیامبر بزرگ باشد، برانست از دشمنان دین خدا را از جمله تعالیم ارزشمند ابراهیمی خواندند و گفتند: «از ابتدای انقلاب، برانست یک رکن جاری در حج بوده است اما امسال با توجه به حوادث عظیم و عجیب غره که بیش از همیشه چهره خون آشام مجموعه پرخاسته از تمدن غربی را آشکار کرده است، حج امسال به صورت ویژه حج برانست است.»

حضرت آیت الله خامنه ای حوادث کنونی غزه را شاخصی ماندگار برای تاریخ دانستند و افزودند: «حملات وحشیانه سگ هار صهیونیستی از یک طرف و مقاومت و مظلومیت مردم غزه از طرف دیگر در تاریخ می ماند و راه را به بشریت نشان می دهد که با زتاب شگفت انگیز و بی سابقه آن در جوامع غیرمسلمانان و دانشگاه های

آمریکا و بعضی کشورهای دیگر، از نشانه های این تاریخ سازی و شاخص سازی است.» ایشان در تبیین وظیفه امت اسلامی در قبال فجایع غزه در فرصت حج ابراهیمی، به نمونه های متعدد قرآنی از سیره حضرت ابراهیم (ع) اشاره کردند و گفتند: «ابراهیم (ع) جزه پیامبرانی است که دل رثوف و بسیار مهربانی دارد اما همین پیامبر الهی در مقابل دشمنان ظالم و ستمیزگر به شدت اظهار برانست و به صراحت اعلام دشمنی می کند.»

رهبر انقلاب با اشاره به آیات قرآنی که دوستی با دشمنان ستمگر را هم کاملاً نهی می کند، رژیم صهیونیستی را مصداق کامل دشمنی با مسلمانان و آمریکا را همدست این رژیم خواندند و افزودند: «اگر کمک آمریکا نبود آیا رژیم صهیونیستی قدرت و جرات این رفتار وحشیانه با مردم مسلمان و زنان و کودکان را داشت؟» حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: «عامل قتل مسلمانان و آواره کردن آنها و پشتیبان آن، هر دو ظالم هستند و طبق صریح قرآن اگر کسی با آنها دست دوستی بدهد او نیز ظالم و ستمگر و مشمول لعنت خداوند است.»

ایشان با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام، رویکرد ابراهیمی به حج یعنی برانست آشکار در مقابل دشمنان را ضروری تر از همیشه خواندند و گفتند: «بر این اساس حجاج ایرانی و غیر ایرانی باید بتوانند منطق قرآنی در پشتیبانی از ملت فلسطین را به همه دنیای اسلام منتقل کنند.» حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: «البته جمهوری اسلامی منتظر دیگران نمانده و نمی ماند اما اگر دست های قوی ملت ها و دولت های اسلامی به کمک و همراهی بیاید، حالت رقت بار ملت فلسطین ادامه پیدا نخواهد کرد.»

ایشان با تشکر از خدمات و فعالیت های بعثه و سازمان حج و سایر دستگاه های خدمات رسان در برگزاری حج، خطاب به آنان تاکید کردند: «برای آسایش حجاج ایرانی و انجام حج مبرور و مقبول به گونه ای برنامه ریزی کنید که فاصله بین وضع موجود و مطلوب برطرف شود.»

در ابتدای این دیدار، سید عبدالفتاح نواب، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در سخنانی، شعار حج امسال را «حج: قرآن محوری، همدلی و اقتدار امت اسلامی و دفاع از فلسطین مظلوم» خواند و گفت: «حج ابراهیمی بستری برای تعلیم خودسازی و همچنین مبارزه با طواغیت بیرونی و دفاع از مظلومان است.»

سید عباس حسینی، رئیس سازمان حج و زیارت نیز با اشاره به تشرف ۸۷ هزار و ۵۵۰ نفر زائر ایرانی به حج امسال، از برنامه ها و فعالیت های این سازمان در زمینه افزایش کیفیت خدمات بهداشتی، اسکان، تغذیه و حمل و نقل و همچنین راه اندازی عمده مفرد پس از ۹ سال توقف و امکان بهره مندی مشتاقان زیارت خانه خدا گزارش داد.

نواحی می تواند بهای سنگینی همچون سرخوردگی و سردرگمی بخشی از بدنه طالبان، تعدید شکاف های قومیتی و تقویت مواضع مخالفان و به ویژه داعش را میان مردم محلی به دنبال داشته باشد. اما در نهایت ویژگی سوم، توجه ویژه طالبان به این رخداد را باید در زمینه ها و ریشه های ایجادکننده آن جست و جو کرد. براساس آنچه از اخبار رسانه ها و تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی قابل استنباط است، دو عامل مهم در شکل گیری این ناآرامی ها دخیل بوده اند:

۱- ممانعت طالبان از کشت مواد مخدر

در حالی که حدود دو سال از صدور فرمان رهبر طالبان مبنی بر ممنوعیت کشت خشخاش در افغانستان می گذرد، به نظر می رسد مقامات امارت نسبت به اجرای این فرمان کاملاً مصمم بوده و به نتایج درخور توجهی نیز دست یافته اند. در این راستا و بنابر آخرین گزارش های منتشر شده از جانب سازمان ملل و دیگر نهاد های بین المللی طی دو سال اخیر شاهد کاهش ۹۵ درصدی کشت خشخاش در افغانستان بوده ایم، به نحوی که عرضه تریاک از ۶۲۰۰ تن در سال ۲۰۲۲ به رقم ناچیز ۳۳۳ تن در سال ۲۰۲۳ رسیده است. این موفقیت طالبان در مبارزه با کشت خشخاش به نوعی تداعی کننده و تکرار تجربه اولین دوره حاکمیت آنها بر افغانستان در دو دهه قبل محسوب می شود، اما از سوری دیگر می تواند یادآور مشکلاتی باشد که طالبان در آن هنگام با آن مواجه شده و با بی توجهی نسبت به آنها بهای گزافی هم پرداختند. دو دهه قبل طالبان در شرایطی تصمیم به نابودی مزارع خشخاش گرفتند که یک سوم درآمد ناخالص ملی افغانستان از این طریق بود و درآمد حداقل ۳.۵ میلیون نفر از مردم به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم از این محل تامین می شد. این در حالی بود که نه ملامعمر، رهبر طالبان و نه دیگر مقامات سیاسی امارت در آن زمان، هیچ استراتژی یا برنامه ریزی کلانی برای جبران خسارات کشاورزان یا حداقل تامین منابع معیشت جایگزین برای آنها نداشتند. این گونه بود که به قول یکی از تحلیلگران غربی طالبان دست به «خودکشی اقتصادی» زدند و متقاعد کردن بزرگان روستایی و جمعیت کشور به شورش علیه رژیم طالبان، برای نیروهای غربی بسیار آسان شد.

اکنون به نظر می رسد طالبان در دومین دوره حاکمیت خود در حال تکرار همان اشتباهات سابق هستند. ملامهت الله، رهبر طالبان در حالی در آوریل ۲۰۲۲ ممنوعیت کشت خشخاش را اعلام کرد که هیچ راهکار یا استراتژی مشخصی برای معیشت کشاورزان آسیب دیده تعیین نشد. بر مبنای آمارهای اخیر منتشر شده از سوی نهاد های بین المللی درآمد ۱.۳ میلیارد دلاری کشاورزان افغانی از محل کشت و توزیع خشخاش، در سال ۲۰۲۳ به رقم نازل ۱۱۰ میلیون دلار کاهش پیدا کرده و در کنار آن حدود ۴۵۰ تا ۶۰۰ هزار فرصت شغلی مرتبط نیز از بین رفته است. در یک اقتصاد به شدت وابسته به کشاورزی، این می تواند به منزله یک فاجعه و مواجهه با فقر اقتصادی مطلق تلقی شود. برنامه های طالبان برای



میراحمد رضا مشرف
پژوهشگر حوزه بین الملل

در روزهای اخیر اخبار و تصاویری از وقوع ناآرامی ها و اعتراضات مردمی در مناطقی از استان بدخشان در شمال شرق افغانستان انتشار یافته که با واکنش های گسترده و بعضاً متفاوتی نیز مواجه شده است. با استناد به منابع رسمی و نزدیک به طالبان، ناآرامی ها در بدخشان حداقل دو روز دوام داشته و به کشته و مجروح شدن چند نفر از اهالی این مناطق منجر شده است. در مورد سرمنشأ آغاز درگیری ها میان مردم محلی و طالبان هم این گونه روایت شده که مقاومت کشاورزان و اهالی منطقه در برابر نابودی مزارع خشخاش توسط نیروهای طالبان، مسبب اصلی وقوع این رخداد بوده است؛ درعین حال که منابع محلی نسبت به شیوه و عملکرد تیم امحای طالبان و تعرضات آنها به حریم خصوصی مردم به شدت معترض بوده و این مساله را ریشه اصلی درگیری دانسته اند.

در صورت این حرکت مردمی علیه طالبان در رسانه های عمومی و شبکه های اجتماعی بازتاب گسترده ای یافت و حتی واکنش برخی مقامات و سیاستمداران پیشین افغانستان را نیز به همراه داشت؛ چنانکه عبدالطیف پدرام، رهبر حزب کنگره ملی افغانستان از اظهار به شوینسیم پشتون و به صد در آمدن ناقوس های بارای طالبان در این منطقه سخن گفت و فوزیه کوفی، نماینده پیشین بدخشان در مجلس ملی از آن به عنوان نافرومانی مردم آزاده و باعزت بدخشان یاد کرد. در مقابل طالبان و حامیان آنها بر وقوع این رخداد بر سر مبارزه با مواد مخدر، محدود بودن دامنه این حرکت و در نهایت بزرگنمایی آن توسط عوامل وابسته به غرب پافشاری داشتند.

در چنین شرایطی تعیین یک تیم ویژه به سرپرستی «فصح الدین فطرت» رئیس ستاد ارتش طالبان آن هم در معیشت چند تن از دیگر مقامات برجسته طالبان، می تواند نشان دهنده آن باشد که مساله اخیر و رسیدگی به جوانب آن تا چه حد برای طالبان دارای حساسیت و اهمیت است. اما در مورد دلایل اهمیت حوادث بدخشان برای امارت اسلامی شاید بتوان به چند نکته مهم اشاره کرد. در وهله نخست باید گفت این رخداد ویژگی منحصر به فردی داشت: ویژگی اول اینکه حرکت و خیزشی کاملاً محلی و مردمی بود و بدون هیچ گونه اتصال و پیوندی با جناح های مخالف نظامی و سیاسی طالبان که درعین حال از پتانسیل تسری سریع به دیگر نقاط استان و حتی کشور برخوردار بود و دقیقاً به همین دلیل است که پس از وقوع ناآرامی ها در دو منطقه بدخشان، مسئولان امارت بلافاصله برای ختم هر چه سریع تر غائله دست به کار شدند. اما ویژگی دوم را می توان به اهمیت جغرافیایی و انسانی منطقه وقوع ناآرامی ها مرتبط دانست. بدخشان با توجه به جغرافیای سیاسی و قومی، استانی کلیدی برای طالبان به شمار می آید که در تسلط طالبان بر نواحی شمالی و سقوط نظام جمهوریت نیز نقشی حیاتی و مهم ایفا کرد. افرادی چون فصیح الدین فطرت، از بدخشانی های تقریباً پرشماری هستند که موجبات دوام و بقای امارت در نواحی شمالی را فراهم کرده اند. بنابراین هر گونه ناامنی و ناراضیاتی در این

کشت جایگزین یا برنامه کمک های معیشتی نیز چندان روشن نیست. بنابر برآوردهای انجام گرفته در دوران جمهوریت، اجرای برنامه های طولانی مدت کشت جایگزین و ارائه کمک های معیشتی به کشاورزان به سرما به ای بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار نیاز خواهد داشت. روشن است که طالبان به هیچ وجه قابلیت اجرای چنین برنامه سنگین و پرهزینه ای را ندارند. از سوی دیگر روابط تیره و تار آنها هم با سازمان ها و نهاد های بین المللی بر سر مسائل مختلف، امکان همکاری نزدیک تر و کمک های هر چه بیشتر در عرصه مبارزه با مواد مخدر را سلب می کند.

همه این شرایط نشان می دهد امارت اسلامی طالبان وارد عرصه بسیار سختی شده و حتی شاید به تعبیری «بی گذار به آب زده» است. رویداد بدخشان ضعف شدید امارت در چگونگی اجراء و برنامه ریزی ها در امر مبارزه با مواد مخدر را آشکار کرد. حوادث بدخشان نشان داد صرف اجرای فرآیند رهبری طالبان به هر قیمتی و بدون در نظر گرفتن عواقب بلند مدت اقتصادی و سیاسی آن، تا چه حد می تواند جنجال برانگیز و دردسرساز باشد. شاید طالبان با اقدامات سریع فعلی خود بتوانند بحران را مهار کرده و مانع سرایت فشمعه ها به دیگر مناطق شوند، اما هیچ کدام از این اقدامات صورت مساله و اصل مشکل موجود را پاک نخواهد کرد و به بسا با وزش بادی جدید، این آتش زیر خاکستر در جایی دیگر شعله ور شود.

۲- مسائل قومیتی و فرهنگی

دلیل حادثه بدخشان را نمی توان به معضلات مربوط به مواد مخدر محدود دانست، این را می توان از شعارها و چهارچوب اعتراضی مردم محلی این منطقه درک کرد. سر دادن شعارهایی چون «ما امارت نمی خواهیم» یا «مرگ بر امارت» یا حاکمان هلندنی یافتند هاری نمی خواهیم، حکایت از ناراضیاتی ها و مشکلاتی ریشه داتر از مواد مخدر دارد. در واقع بخش مهمی از این ناراضیاتی به رویکرد سیاسی طالبان در انتصاب پشتون تبارها به مناصب عالی سیاسی و نظامی در استان هایی بازمی گردد که اصولاً هیچ قرابتی با زبان و فرهنگ پشتون ندارند. به همین دلیل مردم، مسئولان منصوب شده از جانب امارت را بیگانگی می بینند که به اجبار بر آنها تحمیل شده اند. این موضوع حس سرخوردگی را در مردم این مناطق تقویت می کند و البته در مورد بدخشانی ها این حس مضاعف خواهد بود؛ چراکه با توجه به نقش نسبی که در پیروزی امارت داشته اند، خود را در حکومت جدید سهم دانسته و تعیین مسئولانی بیگانه و خارج از فرهنگ و قومیت بومی را استحقاق خود نمی دانند. انتخاب قاری فصیح الدین که خود یک بدخشانی است، به عنوان سرپرست هیات رسیدگی کننده کاملاً گویای آن است که طالبان این ناراضیاتی را درک کرده و به نوعی در صدد دلجوایی از مردم محلی برآمده اند. با این حال تداوم رویکرد فعلی طالبان در نگاه تک قومیتی به حاکمیت و نگاه از بالای پشتون ها به سایر اقوام، همچنان از این ظرفیت برخوردار خواهد بود که در آینده شاهد مشکلات بیشتری از این دست باشیم.